



**دادستان تبریز بار نذری بودن غذاهایی که موجب مسمومیت و مرگ دو عضو خانواده پزشک تبریزی شده، تأکید کرد که بررسی دوربین‌های مدار بسته ثابت کرده‌است که غذاها از یک غذاخوری تهیه شده بود.** قاضی خلیل‌اللهی درباره نسخه منتشر شده این پزشک در فضای مجازی به بارذروخانه توصیه شده بوداز وجه دریافت‌کنند هم از سوی یکی از بستگان پزشک منتشر شده واصل بودن آن هم ثابت نشده و پزشک هم از انتشار آن بی‌خبر بوده‌است. دادستان تبریز روز گذشته در توضیح آخرین جزئیات پرونده که به مرگ همسر و مادر بزرگ دکتر صلحی منجر شده است، گفت: بر اساس نظر به پزشکی قانونی علت فوت این دو نفر

مسمومیت با سم فسفین بوده و در بررسی غذاهائیز این نوع سم کشف شده‌است.

دادستان تبریز درباره سوابق کاری و تحصیلی دکتر صلحی هم گفت‌نوی یک پزشک عمومی استست که در سال‌های اخیر فارغ‌التحصیل شده و شهرت خاصی ندارد. عمده فعالیت وی در خانه سلامت یکی از محلات تبریز بوده که توسط دانشگاه علوم پزشکی تبریز به بخش خصوصی واگذار شده‌است. وی در رابطه با ادعای مطرح شده مبنی بر خیر بودن این پزشک هم گفت:اگر مبنای این موضوع انتشار یک نسخه پزشکی در فضای مجازی باشد، باید گفت که این موضوع در تحقیقات به اثبات نرسیده است. در نسخه انتشار یافته از این پزشک در فضای مجازی، به

دادستان تبریز:

## مسمومیت خانواده پزشک باغذای نذری صدرصد منتفی است

داروخانه توصیه شده که وجه داروها را از بیمار دریافت نکند و این در حالی است که اصل بودن این نسخه و اینکه شخصی به واسطه توصیه این پزشک از پرداخت هزینه داروها معاف شده باشد در تحقیقات به اثبات نرسیده‌است.

دادستان تبریز ادامه داد: اساساً این نسخه توسط یکی از آشنایان این پزشک در فضای مجازی منتشر شده که این فرد نیز از ماهیت موضوع در زمان انتشار آن خبر نداشته‌است.قاضی خلیل‌اللهی در پاسخ به این سؤال که آیا مسمومیت و فوت به پرونده در چند روز آینده و از سوی دستگاه قضایی این استان یا خیر، گفت: اساساً موضوع مسمومیت با غذای نذری در این پرونده صدرصد منتفی است.به هیچ وجه موضوع غذای نذری

**سارقان مسلح طلا فروشی:**

# می خواستیم خوشبخت شویم گرفتار شدیم



رامین متهم ردیف اول وقتی در جایگاه قرار گرفت، گفت: بعد از فوت پدرم کمک خرج زندگی مادر و دیگر خواهر

و برادرهایم بودم. وقتی از دواج کردم و صاحب فرزند شدم، سوار موتورسیکلت می‌کرد تا مردم نزدیک نشوند. سارق دیگر با سنگ و پتک شیشه ویتترین را شکست. آنها حدود ۳ کیلو طلایسرفت و فرار کردند. شاکي فیلم سرفت از مغازه را که توسط دوربین مغازه ضبط شده بود، در اختیار دادگاه قرار داد.

**نقشه سرت**

رامین متهم ردیف اول وقتی در جایگاه قرار گرفت، گفت: بعد از فوت پدرم کمک خرج زندگی مادر و دیگر خواهر

و برادرهایم بودم. وقتی از دواج کردم و صاحب فرزند شدم، سوار موتورسیکلت می‌کرد تا مردم نزدیک نشوند. سارق دیگر با سنگ و پتک شیشه ویتترین را شکست. آنها حدود ۳ کیلو طلایسرفت و فرار کردند. شاکي فیلم سرفت از مغازه را که توسط دوربین مغازه ضبط شده بود، در اختیار دادگاه قرار داد.

رامین متهم ردیف اول وقتی در جایگاه قرار گرفت، گفت: بعد از فوت پدرم کمک خرج زندگی مادر و دیگر خواهر

و برادرهایم بودم. وقتی از دواج کردم و صاحب فرزند شدم، سوار موتورسیکلت می‌کرد تا مردم نزدیک نشوند. سارق دیگر با سنگ و پتک شیشه ویتترین را شکست. آنها حدود ۳ کیلو طلایسرفت و فرار کردند. شاکي فیلم سرفت از مغازه را که توسط دوربین مغازه ضبط شده بود، در اختیار دادگاه قرار داد.

رامین متهم ردیف اول وقتی در جایگاه قرار گرفت، گفت: بعد از فوت پدرم کمک خرج زندگی مادر و دیگر خواهر

و برادرهایم بودم. وقتی از دواج کردم و صاحب فرزند شدم، سوار موتورسیکلت می‌کرد تا مردم نزدیک نشوند. سارق دیگر با سنگ و پتک شیشه ویتترین را شکست. آنها حدود ۳ کیلو طلایسرفت و فرار کردند. شاکي فیلم سرفت از مغازه را که توسط دوربین مغازه ضبط شده بود، در اختیار دادگاه قرار داد.

رامین متهم ردیف اول وقتی در جایگاه قرار گرفت، گفت: بعد از فوت پدرم کمک خرج زندگی مادر و دیگر خواهر

و برادرهایم بودم. وقتی از دواج کردم و صاحب فرزند شدم، سوار موتورسیکلت می‌کرد تا مردم نزدیک نشوند. سارق دیگر با سنگ و پتک شیشه ویتترین را شکست. آنها حدود ۳ کیلو طلایسرفت و فرار کردند. شاکي فیلم سرفت از مغازه را که توسط دوربین مغازه ضبط شده بود، در اختیار دادگاه قرار داد.

رامین متهم ردیف اول وقتی در جایگاه قرار گرفت، گفت: بعد از فوت پدرم کمک خرج زندگی مادر و دیگر خواهر

و برادرهایم بودم. وقتی از دواج کردم و صاحب فرزند شدم، سوار موتورسیکلت می‌کرد تا مردم نزدیک نشوند. سارق دیگر با سنگ و پتک شیشه ویتترین را شکست. آنها حدود ۳ کیلو طلایسرفت و فرار کردند. شاکي فیلم سرفت از مغازه را که توسط دوربین مغازه ضبط شده بود، در اختیار دادگاه قرار داد.

رامین متهم ردیف اول وقتی در جایگاه قرار گرفت، گفت: بعد از فوت پدرم کمک خرج زندگی مادر و دیگر خواهر

و برادرهایم بودم. وقتی از دواج کردم و صاحب فرزند شدم، سوار موتورسیکلت می‌کرد تا مردم نزدیک نشوند. سارق دیگر با سنگ و پتک شیشه ویتترین را شکست. آنها حدود ۳ کیلو طلایسرفت و فرار کردند. شاکي فیلم سرفت از مغازه را که توسط دوربین مغازه ضبط شده بود، در اختیار دادگاه قرار داد.

رامین متهم ردیف اول وقتی در جایگاه قرار گرفت، گفت: بعد از فوت پدرم کمک خرج زندگی مادر و دیگر خواهر

و برادرهایم بودم. وقتی از دواج کردم و صاحب فرزند شدم، سوار موتورسیکلت می‌کرد تا مردم نزدیک نشوند. سارق دیگر با سنگ و پتک شیشه ویتترین را شکست. آنها حدود ۳ کیلو طلایسرفت و فرار کردند. شاکي فیلم سرفت از مغازه را که توسط دوربین مغازه ضبط شده بود، در اختیار دادگاه قرار داد.

رامین متهم ردیف اول وقتی در جایگاه قرار گرفت، گفت: بعد از فوت پدرم کمک خرج زندگی مادر و دیگر خواهر

و برادرهایم بودم. وقتی از دواج کردم و صاحب فرزند شدم، سوار موتورسیکلت می‌کرد تا مردم نزدیک نشوند. سارق دیگر با سنگ و پتک شیشه ویتترین را شکست. آنها حدود ۳ کیلو طلایسرفت و فرار کردند. شاکي فیلم سرفت از مغازه را که توسط دوربین مغازه ضبط شده بود، در اختیار دادگاه قرار داد.

رامین متهم ردیف اول وقتی در جایگاه قرار گرفت، گفت: بعد از فوت پدرم کمک خرج زندگی مادر و دیگر خواهر

و برادرهایم بودم. وقتی از دواج کردم و صاحب فرزند شدم، سوار موتورسیکلت می‌کرد تا مردم نزدیک نشوند. سارق دیگر با سنگ و پتک شیشه ویتترین را شکست. آنها حدود ۳ کیلو طلایسرفت و فرار کردند. شاکي فیلم سرفت از مغازه را که توسط دوربین مغازه ضبط شده بود، در اختیار دادگاه قرار داد.

### مرد روانی دوست صمیمی اش را بی علت کشت!

**پسر جوانی که دوست صمیمی اش را به قتل رسانده بود، ۱۱ ساعت پس از حادثه خودش را به پلیس معرفی کرد و ماجرا را توضیح داد.** به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه روز شنبه هشتم آبان ماه پسر جوانی به کلانتری ۱۰۶ ناجوی تهران رفت و گفت ۱۱ ساعت قبل یکی از دوستانش به نام فرشید را در جاده قم به تهران به قتل رسانده است.

منتهم ۲۸ ساله در توضیح ماجرا گفت: نام من شاهین است و اهل شهرستان تالش هستم. چند ماه قبل برای کار به تهران آمدم. مدتی گذشت اما کاری پیدا نکردم تا اینکه دو ماه قبل به شهرک‌های حوالی تهران در جاده قم رفتم. آنجا با فرشید آشنا شدم. او از شهرستان نیشابور برای کار به تهران آمده بود. مدتی با هم بودیم تا اینکه صمیمی شدیم.

سه روز قبل فرشید پیشنهاد داد تا با هم از قم بیاده‌روی کنیم. وقتی اصرار کرد، قبول کردم تا او را در این پیاده‌روی همراهی کنم. وقتی از قم به راه افتادیم تصمیم گرفتیم او را به قتل برسانیم. با اینکه برای قتل فرشید هیچ علتی نداشتیم، اما این وسوسه عجیب لحظه‌ای مرا رها نکرد تا اینکه شب سوم نقشه قتل را عملی کردم. وقتی فرشید به خواب رفت، سنگ بزرگی برداشتم و به بالای سرش رفتم و ناگهان به سرش کوبیدم.

او گیج و خونی از خواب بیدار شد و چند قدمی راه رفت که دوباره به سراغ رفتن و با همان سنگ چند ضربه دیگر به سرش زدم تا اینکه بیهوش نقش بر زمین شد. وقتی فهمیدم او فوت کرده پارچه‌ای که همراه داشتم، روی جسد کشیدم و راهی تهران شدم. چند ساعتی سرگردان داخل خیابان‌ها چرخیدم تا حادثه را فراموش کنم. اما عذاب وجدان لحظه‌ای رهایم نکرد تا اینکه تصمیم گرفتم به کلانتری بیایم و به قتل دوستم اعتراف کنم.

پس از اعتراف پسر جوان به قتل دوست صمیمی‌اش، تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی به دستور قاضی مرادی، با زپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران برای بررسی حادثه وارد عمل شدند. تحقیقات کارآگاهان جنایی نشان داد، صبح روز هشتم آبان ماه مأموران پلیس شهرستان قم جسد پسر جوانی را در ۲۰ کیلومتری شهرستان قم در حاشیه جاده تهران در حالی پیدا کرده‌اند که پارچه سفیدی روی آن کشیده شده بود. همچنین مشخص شد مأموران آلت قتاله را که سنگ بزرگ خونی بود، کنار جسد کشف کردند.

منتهم صبح دیروز برای بازجویی به دادسرای جنایی منتقل شد. وی در بازجویی‌ها با اعتراف به قتل دوست صمیمی‌اش، مدعی شد که سابقه بیماری روانی دارد و مدتی هم در بیمارستان روانی بستری بوده است. با طرح این ادعا منتهم به دستور قاضی مرادی، با زپرس شعبه دوم برای مشخص شدن صحت سلسلاتی روحی و روانی‌اش به پزشکی قانونی معرفی شد. همچنین با توجه به اینکه محل حادثه قتل در محدوده شهرستان قم قرار داده است، پرونده با حضور قرار مد صالحی‌همراه منتهم به شهرستان قم فرستاده شد. تحقیقات درباره این حادثه از سوی مأموران ادامه دارد.

## قتل شکارچی هنگام شکار

**مردی که برای شکار راهی بیابان‌های شهری در استان مرکزی شده بود، به طرز مرموزی به قتل رسید.** به گزارش خبرنگار ما، روز شنبه سوم مهرماه امسال پسر جوانی به اداره پلیس رفت و گفت که پدر ۶۴ ساله‌اش به طرز مرموزی ناپدید شده است.

شاکایی در توضیح ماجرا گفت: پدرم، بهرام نام دارد. مدتی قبل بازنشسته شد و از آنجایی که علاقه زیادی به شکار حیوانات دارد.بیشتر روزها در بیابان‌های شهرهای اطراف تهران به شکار می‌رود. او سه روز قبل قتلگ شکاری‌اش را از خانه برداشت و با خودروی پژو‌اش به شکار رفت. او گاهی که همراه دوستانش به شکار می‌رود، شب‌ها هم در بیابان می‌خوابد به همین دلیل آن شب وقتی به خانه برگشت، خیلی نگران‌شان شد تا

شاکایی در توضیح ماجرا گفت: پدرم، بهرام نام دارد. مدتی قبل بازنشسته شد و از آنجایی که علاقه زیادی به شکار حیوانات دارد.بیشتر روزها در بیابان‌های شهرهای اطراف تهران به شکار می‌رود. او سه روز قبل قتلگ شکاری‌اش را از خانه برداشت و با خودروی پژو‌اش به شکار رفت. او گاهی که همراه دوستانش به شکار می‌رود، شب‌ها هم در بیابان می‌خوابد به همین دلیل آن شب وقتی به خانه برگشت، خیلی نگران‌شان شد تا

شاکایی در توضیح ماجرا گفت: پدرم، بهرام نام دارد. مدتی قبل بازنشسته شد و از آنجایی که علاقه زیادی به شکار حیوانات دارد.بیشتر روزها در بیابان‌های شهرهای اطراف تهران به شکار می‌رود. او سه روز قبل قتلگ شکاری‌اش را از خانه برداشت و با خودروی پژو‌اش به شکار رفت. او گاهی که همراه دوستانش به شکار می‌رود، شب‌ها هم در بیابان می‌خوابد به همین دلیل آن شب وقتی به خانه برگشت، خیلی نگران‌شان شد تا

شاکایی در توضیح ماجرا گفت: پدرم، بهرام نام دارد. مدتی قبل بازنشسته شد و از آنجایی که علاقه زیادی به شکار حیوانات دارد.بیشتر روزها در بیابان‌های شهرهای اطراف تهران به شکار می‌رود. او سه روز قبل قتلگ شکاری‌اش را از خانه برداشت و با خودروی پژو‌اش به شکار رفت. او گاهی که همراه دوستانش به شکار می‌رود، شب‌ها هم در بیابان می‌خوابد به همین دلیل آن شب وقتی به خانه برگشت، خیلی نگران‌شان شد تا

استان مرکزی کشف کرده‌اند که آثار ضرب و جرح روی بدن جسد حکایت از آن داشت که وی درگیری به کام مرگ رفته‌است. از آنجایی که جسد کشف شده با مرد گمشده شباهت زیادی داشت، پسر مرد گمشده به پزشکی قانونی رفت و جسد پدرش را شناسایی کرد. بررسی مأموران نشان داد قاتل با قاتلان پس از درگیری بدون سلاح در بیابان کنار خودرواش رها کرده و از محل فریخته‌اند.

پس از کشف جسد مرد شکارچی در بیابان یکی از شهرهای استان مرکزی، پرونده با صدور قرار مأموران تحقیقات گسنتده‌ای برای پیدا کردن مرد شکارچی انجام دادند، اما هیچ سر نخ‌ی پیدا نکردند تا اینکه در یافتند روز چهارم مهرماه مأموران پلیس، جسد مرد میانسالی را کنار خودروی پژویی یکی از شهرستان‌های

#### تخریب غیراصولی جان کارگر را گرفت

**تخریب غیراصولی ساختمان مسکونی در محله پونک، مرگ یک کارگر را به همراه داشت.**

این حادثه ساعت ۱۶:۴۶ عصر روز یکشنبه در خیابان ایران‌زمین شمالی محله پونک اتفاق افتاد و مأموران آتش‌نشانی ایستگاه ۵۵ که از وقوع حادثه باخبر شده بودند، در محل حاضر شدند.

جلال افتاد و مأموران آتش‌نشانی گفت: بررسی‌های اولیه حکایت از این داشت که سه کارگر در حال تخریب ساختمان سه‌طبقه‌ای بودند که ناگهان دیواره و سقف‌ها تخریب شد. وی ادامه داد: دو نفر از کارگران موفق به فرار از آوار شدند، اما یکی از آنهاز پر آوار گرفتار شد. ملکی گفت: امدادگران بعد از ایمن کردن محل، جسد کارگر را از زیر آوار خارج کردند. وی علت حادثه را تخریب غیراصولی اعلام کرد.

رامین متهم ردیف اول وقتی در جایگاه قرار گرفت، گفت: بعد از فوت پدرم کمک خرج زندگی مادر و دیگر خواهر

مهرداد، سومین متهم نیز با تأیید حرف‌های دو همدستش گفت: خلاف فحاشی شاکای داخل مغازه نرفتم و از دور صاحب مغازه را تهدید کردم.

هر سه متهم بعد از دفاع وکلایشان در آخرین دفاع گفتند فقط اسلحه خریدیم تا مردم و صاحب مغازه را بترسانیم. به خودمان قول داده بودیم، خونی ریخته نشود. از کارمان پشیمان هستیم. به خاطر شرایط سخت زندگی دست به دزدی زدیم و می‌خواستیم خوشبخت شویم ولی الان مشکلات بیشتری داریم.گیا بنیان‌گمان شده است. از شاکي در خواست عفو و از دادگاه درخواست تخفیف مجازات را داریم. هیئت قضایی بعد از ختم جلسه وارد شور شد.

مهرداد، سومین متهم نیز با تأیید حرف‌های دو همدستش گفت: خلاف فحاشی شاکای داخل مغازه نرفتم و از دور صاحب مغازه را تهدید کردم.

هر سه متهم بعد از دفاع وکلایشان در آخرین دفاع گفتند فقط اسلحه خریدیم تا مردم و صاحب مغازه را بترسانیم. به خودمان قول داده بودیم، خونی ریخته نشود. از کارمان پشیمان هستیم. به خاطر شرایط سخت زندگی دست به دزدی زدیم و می‌خواستیم خوشبخت شویم ولی الان مشکلات بیشتری داریم.گیا بنیان‌گمان شده است. از شاکي در خواست عفو و از دادگاه درخواست تخفیف مجازات را داریم. هیئت قضایی بعد از ختم جلسه وارد شور شد.

مهرداد، سومین متهم نیز با تأیید حرف‌های دو همدستش گفت: خلاف فحاشی شاکای داخل مغازه نرفتم و از دور صاحب مغازه را تهدید کردم.

هر سه متهم بعد از دفاع وکلایشان در آخرین دفاع گفتند فقط اسلحه خریدیم تا مردم و صاحب مغازه را بترسانیم. به خودمان قول داده بودیم، خونی ریخته نشود. از کارمان پشیمان هستیم. به خاطر شرایط سخت زندگی دست به دزدی زدیم و می‌خواستیم خوشبخت شویم ولی الان مشکلات بیشتری داریم.گیا بنیان‌گمان شده است. از شاکي در خواست عفو و از دادگاه درخواست تخفیف مجازات را داریم. هیئت قضایی بعد از ختم جلسه وارد شور شد.

مهرداد، سومین متهم نیز با تأیید حرف‌های دو همدستش گفت: خلاف فحاشی شاکای داخل مغازه نرفتم و از دور صاحب مغازه را تهدید کردم.

هر سه متهم بعد از دفاع وکلایشان در آخرین دفاع گفتند فقط اسلحه خریدیم تا مردم و صاحب مغازه را بترسانیم. به خودمان قول داده بودیم، خونی ریخته نشود. از کارمان پشیمان هستیم. به خاطر شرایط سخت زندگی دست به دزدی زدیم و می‌خواستیم خوشبخت شویم ولی الان مشکلات بیشتری داریم.گیا بنیان‌گمان شده است. از شاکي در خواست عفو و از دادگاه درخواست تخفیف مجازات را داریم. هیئت قضایی بعد از ختم جلسه وارد شور شد.

مهرداد، سومین متهم نیز با تأیید حرف‌های دو همدستش گفت: خلاف فحاشی شاکای داخل مغازه نرفتم و از دور صاحب مغازه را تهدید کردم.

هر سه متهم بعد از دفاع وکلایشان در آخرین دفاع گفتند فقط اسلحه خریدیم تا مردم و صاحب مغازه را بترسانیم. به خودمان قول داده بودیم، خونی ریخته نشود. از کارمان پشیمان هستیم. به خاطر شرایط سخت زندگی دست به دزدی زدیم و می‌خواستیم خوشبخت شویم ولی الان مشکلات بیشتری داریم.گیا بنیان‌گمان شده است. از شاکي در خواست عفو و از دادگاه درخواست تخفیف مجازات را داریم. هیئت قضایی بعد از ختم جلسه وارد شور شد.

مهرداد، سومین متهم نیز با تأیید حرف‌های دو همدستش گفت: خلاف فحاشی شاکای داخل مغازه نرفتم و از دور صاحب مغازه را تهدید کردم.

هر سه متهم بعد از دفاع وکلایشان در آخرین دفاع گفتند فقط اسلحه خریدیم تا مردم و صاحب مغازه را بترسانیم. به خودمان قول داده بودیم، خونی ریخته نشود. از کارمان پشیمان هستیم. به خاطر شرایط سخت زندگی دست به دزدی زدیم و می‌خواستیم خوشبخت شویم ولی الان مشکلات بیشتری داریم.گیا بنیان‌گمان شده است. از شاکي در خواست عفو و از دادگاه درخواست تخفیف مجازات را داریم. هیئت قضایی بعد از ختم جلسه وارد شور شد.

مهرداد، سومین متهم نیز با تأیید حرف‌های دو همدستش گفت: خلاف فحاشی شاکای داخل مغازه نرفتم و از دور صاحب مغازه را تهدید کردم.

هر سه متهم بعد از دفاع وکلایشان در آخرین دفاع گفتند فقط اسلحه خریدیم تا مردم و صاحب مغازه را بترسانیم. به خودمان قول داده بودیم، خونی ریخته نشود. از کارمان پشیمان هستیم. به خاطر شرایط سخت زندگی دست به دزدی زدیم و می‌خواستیم خوشبخت شویم ولی الان مشکلات بیشتری داریم.گیا بنیان‌گمان شده است. از شاکي در خواست عفو و از دادگاه درخواست تخفیف مجازات را داریم. هیئت قضایی بعد از ختم جلسه وارد شور شد.

### منتهم: خانواده‌ام به من توجهی نمی‌کرد

**پسر آتش‌افروز که از هشت‌سال قبل به اتهام قتل سه عضو خانواده‌اش در زندان به سر می‌برد، روز گذشته محاکمه شد. در این سال‌ها جلسات محاکمه او به دلیل حضور نداشتن اولیای دم تجدید می‌شد.** به گزارش خبرنگار ما، ۱۶ فروردین ماه سال ۸۸ بود که مأموران کلانتری ۱۷ مارلیک و آتش‌نشانان از وقوع حادثه آتش‌سوزی در یکی از خانه‌های شهر با خبر و در محل حاضر شدند. آتش‌نشانان بعد از خاموش کردن شعله‌های آتش جسد پدر خانواده را به همراه دختر هفت‌ساله و پسر پنج‌ساله‌اش کشف کردند. وقتی تحقیقات نشان داد که حادثه عمده‌ی صورت گرفته‌است و بررسی‌ها در این باره ادامه پیدا کرد، تحقیقات پلیس نشان داد که عامل حادثه پسر ۱۸ ساله خانواده است که بازداشت شد. او گفت: به اختلالات روانی مبتلا هستم و تحت‌نظر پزشک قرار دارم. از مدتی قبل به اشتباه به رفتار مادر مظنون شدم بنابراین تصمیم به انتقام گرفتم. برای این کار یک گالن بنزین خریدم و آن را در راه پله پشت‌بام گذاشتم و رویش پتو کشیدم. قبل‌ها هم این کار را کرده بودم. ولی اتفاقی نیفتاده بود. نیمه‌شب بیدار شدم و به سرع گالن رفتم و کبریت کشیدم که پتو آتش گرفت. وقتی پدرم از ماجرا با خبر شد به سرعت خودش را رساند و گالن را برداشت تا به حمام برود، اما به خاطر شدت آتش گالن از دستش افتاد و آتش به داخل اتاق‌ها زبانه کشید و حادثه مرگبار رقم خورد. درهای منزل قفل بوده، به خاطر اینکه پدرم عادت داشت درها را قفل کند. در آن حادثه من و مادرم از مرگ نجات پیدا کردیم. اما پدر، خواهر و برادر کوچکم فوت شدند با کامل شدن بررسی‌ها پسر جوان به اتهام سه فقره قتل عمد مجرم شناخته‌شد و کیفرخواست علیه‌وی صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه چهارم داد‌گاه کیفری استان تهران فرستاده شد.

این پرونده در جلسات متعدد رسیدگی به دلیل حضور نداشتن اولیای دم تجدید شده بود تا اینکه روز گذشته بار دیگر روی میز هیئت قضایی به ریاست قاضی عبداللهی قرار گرفت. وکیل اولیای دم که در جلسه حاضر بود، بعد از قرائت کیفرخواست اعلام کرد مادر منتهم از او اعلام گذشت کرده‌است، اما دیگر اولیای دم در خواست قصاص دارند. به دستور رئیس شعبه منتهم در جایگاه حاضر و بعد از شرح دوباره حادثه گفت: اتهام قتل را قبول ندارم و با خانواده‌ام اختلافی نداشتیم اگر هم بود جزئی بود. منتهم در آخرین دفاع گفت: هیچ انگیزه‌ای برای قتل خانواده‌ام نداشتیم. فقط فکر می‌کردم آنها توجهی به من نداشتند. پدر و مادرم هر دو شافل بودند و ساعات کمی در منزل حضور داشتند. در نبود خودشان هیچ امکانات تفریحی برایم فراهم نمی‌کردند به همین دلیل به افسردگی مبتلا شده بودم. اگر مظلومی به مادرم پیدا کرده بودم به خاطر افسردگی بود. بعد از آخرین دفاع منتهم، هیئت قضایی وارد شور شد.

#### کشف عتیقه‌های سلجوقی

##### در میامی

**۱۳۱ شیء عتیقه متعلق به دوران سلجوقی در شهرستان میامی در استان سمنان کشف شد.** ششم‌گانه یک‌شبهه بوده که به مأموران پلیس شهر میامی خبر دادند یک خودروی ام‌وی‌ام حامل اشیای عتیقه در حال تردد از خیابانی در حوالی شهر است. با مشخصاتی که در اختیار پلیس قرار گرفت، مأموران این خودرو را متوقف و از دو کابرتن ۱۲۱ شیء عتیقه کشف کردند. بررسی‌های بعدی نشان داد که ۴۰ قطعه از این ظروف اشیای فلزی و سنگ‌های تزئینی و ۹۱ قلم‌نظیر ظروف سفالی، فلزی و اشیای لم‌ابار است.

روح راد الامین قاسمی، فرمانده انتظامی استان گفت: براساس نظر کارشناسان میراث فرهنگی، ظروف کشف شده قدمتی بالغ بر ۵۰۰ سال دارند و متعلق به دوران سلجوقی است. وی گفت: تلاش برای بازداشت متهمان در جریان است.

#### فرزندخواندگی

برطبق ماده ۲۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست، اگر فردی که سرپرست

کودک است، درصدد ازدواج برآید، باید مشخصات فرد مورد نظر را به دادگاه صالح اعلام کند. در صورت انجام ازدواج، سازمان بهزیستی مکلف است گزارش ازدواج را به دادگاه اعلام کند تا نسبت به ادامه سرپرستی به صورت مشترک یا فسخ آن تصمیم‌گیری کند. بر طبق ماده ۱۲۰ قانون، افرادی که بنا به دلایل موجه و یا تحت شرایط خاص، سرپرستی کودک یا

نوجوانی را حداقل یک سال قبل از سپردن به سازمان به‌عهده‌بودند، با داشتن شرایط قانونی، نسبت به سرپرستی آنان حق تقدم دارند و بر طبق ماده ۲۳ قانون مذکور، در تمام مواردی که طرف دادگاه برای کودکان و نوجوانان بهزیستی تعیین می‌شود، دادگاه مکلف است رونوشت رأی را جهت اطلاع به سازمان بهزیستی ارسال کند. سازمان مکلف است در طول دوره سرپرستی نسبت به این دسته از افراد نظارت کند. همچنین براساس ماده ۳۵ سازمان بهزیستی موظف است برای مشاوره و راهنمایی افرادی که سرپرستی کودکان را به‌عهده می‌گیرند، اقدام به ایجاد دفتر مشاوره دینی مربوط به امور فرزندخواندگی با همکاری مرکز مدیریت حوزه علمیه کند. واگذاری کودکان ونوجوانان بستگی به تأیید دفتر مذکور خواهد داشت.